عدم قرائت بعضی قرائات توسط ابن مسعود و تعبیر «فهو ضال» در مورد او

اما آن چه که شما می‌فرمایید. ببینید حضرت نفرمودند «ان کان ابن مسعود یقرأ علی قرائتنا فهو ضال»، معموالً همه اینطور معنا می‌کنند. یعنی اگر ابن مسعود قرائتی غیر از قرائت ما دارد، ضال است. ابدا حضرت این را نگفته اند. این برای ذهنیت الآن ما است. ابن مسعود روی برخی از قرائات حالت نافی داشت. یعنی می‌گفت من این را نمی خوانم. «ان کان ابن مسعود لایقرأ علی قرائتنا»، یعنی ما اهل البیت قرائاتی را داریم که او می‌گوید «لا اقرأ». چه کاره است که بگوید «لا اقرأ»؟! لذا «فهو ضال». حضرت نگفتند او قرائتی دارد که از جد ما شنیده اما ما نمی خوانیم. بلکه «لا یقرأ علی قرائتنا فهو ضال». خب این برای چه بود؟ این بحث ابن مسعود خودش یک تفصیلی دارد.

من فرمایش ایشان را عرض می‌کنم. فردا همه ادامه آن را عرض می‌کنم. چون اینها مطالب مهمی است. شما علیه عرض من شواهدی را پیدا کنید. قبل از قرن یازدهم و مرحوم مجلسی، ذهنیت همه بر قطعیت این بود که شارع بین المسلمین –نه شیعه و سنی- میخ این را کوبیده که «کلٌ نزل به الروح الامین». یعنی عبارت شهید ثانی کاشف از قطعیت آن زمان است.

این را هم عرض کنم. عبارت مجمع الفائدة و البرهان را ببینید. مرحوم مقدس اردبیلی در این فضای ذهنی یک سؤالی را مطرح می‌کنند. می‌گویند ما که می‌خواهیم نماز بخوانیم می‌گویند قرائات سبع متواتر است، بسیار خب. خودشان هم فرمودند «کانه ال خالف فیه». بعد می‌گویند من مصلی چطور بفهمم کدام یک از آن‌ها قرائت سبع هست یا نیست؟ من چه می‌دانم حمزه چه خوانده است! اگر قرائات سبع نزد اهلش متواتر است، نزد من انتساب قرائت خاص به عاصم، به حمزه، به کسائی چطور ثابت شود؟ سؤال مهمی است. چطور ثابت شود؟

بازبینی #2
ایجاد شده 21 آوریل 2024 13:26:20 توسط ... .
به روزرسانی شده 28 مه 2024 15:12:45 توسط ... .